

کلیساهای ارامنه جلفای نو اصفهان

آرمن حق نظریان

مترجم: نارسیس سهرابی ملایوسف



انتشارات فرهنگستان هنر
پاییز ۱۳۸۵

فهرست مطالب

عنوان	
سخن ناشران	۷
مقدمهٔ مترجم	۹
جلفای نو: تاریخچه اجمالی	۱۱
میراث فرهنگی و معماری ارامنه جلفای نو	۲۴
سالشمار روند تحولات جامعه ارامنه جلفا	۲۹
خلاصه‌ای از سیر تاریخی نهادهای عمومی جلفای نو	۴۳
کلیسای سورپ آمناپرگیچ (۱۰۷۵ق/م ۱۶۶۴)	۴۷
مجموعهٔ سورپ آسدوازانین (مادر مقدس) (۱۰۲۲ق/م ۱۶۱۳)	۶۳
کلیسای بیت‌اللحم (۱۰۳۸ق/م ۱۶۲۸)	۷۳
کلیسای سورپ گئورگ (حدود ۱۰۲۰ق/م ۱۶۱۱)	۸۱
کلیسای سورپ گریگور روشنگر (۱۰۴۳ق/م ۱۶۳۳)	۸۹
کلیسای سورپ استپانوس (۱۰۲۳ق/م ۱۶۱۴)	۹۵
کلیسای سورپ سرکیس (۱۰۷۰ق/م ۱۶۵۹)	۱۰۱
کلیسای سورپ میناس (۱۰۷۰ق/م ۱۶۵۹)	۱۰۹

- ۱۱۵ کلیساي سورپ نیکوقایوس (۱۰۴۰/م ۱۶۳۰ ق)
- ۱۲۱ کلیساي سورپ نرسس (قرن هفدهم میلادی / یازدهم هجری)
- ۱۲۷ صومعه سورپ کاتارینه (۱۰۳۳/م ۱۶۲۳ ق)
- ۱۳۳ کلیساي سورپ هووانس مگردیچ (۱۰۳۱/م ۱۶۲۱ ق)
- ۱۳۹ برخی سنگ نوشته های ارمنی کلیساهاي جلفای نو
- ۱۵۱ کتابشناسی

سخن ناشران

هنر حاصل ذوق، حس زیبا شناختی هنرمند، تجربه‌ها و آموخته‌های اوست. هنرمند در این مسیر، در تعامل با هنر و دانش اقوام و ملل دیگر، بر غنای تجربه خود می‌افزاید و افق دید خوبی را می‌گستراند؛ از این رهگذر آثار و اندیشه‌های هنری به منصة ظهور می‌رسد و میراث هنری شکل می‌گیرد. این میراث هنری جلوه تلاش هنرمندان، اندیشمندان و انسانهایی است که در آفرینش اثری زیبا سهم داشته‌اند. در واقع آنچه به منزله دست‌ساخته‌ای انسانی در قالب بنای عظیم، مجسمه‌ای زیبا، تابلوی نقاشی‌ای چشم‌نمای و خطوط اسرارآمیز خودنمایی می‌کند، تحت تأثیر انگاره‌ها و اندیشه‌های رایج در تمدن‌های گوناگون بشری است. مهم آن است که این میراث شناخته شود و ابعاد گوناگون هنری، فلسفی، تاریخی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و... آن تحلیل و بررسی شود.

بر همین اساس، فرهنگستان هنر با همکاری ستاد نکوداشت اصفهان، پایتخت فرهنگی جهان اسلام، می‌کوشد بر مبنای رسالتی که در نشر، ترویج و حمایت از هنر بر عهده دارد، با انتشار مجموعه آثاری در حوزه‌های گوناگون هنر ایران عصر صفوی، در حد توان پاسخگوی نیاز هنرمندان و محققان این حوزه باشد.

علاوه بر کتاب حاضر، در خصوص جلفای اصفهان، کتاب «خانه‌های ارامنه جلفای نو اصفهان»، تألیف کاراپت کاراپتیان با ترجمه مریم قاسمی سیچانی به مناسبت گردهمایی بین‌المللی مکتب اصفهان، منتشر شده است.

امید است چاپ این کتاب مورد توجه و استفاده هنرمندان و دوستداران هنر ایران قرار گیرد.

انتشارات فرهنگستان هنر - ستاد نکوداشت

اصفهان، پایتخت فرهنگی جهان اسلام

آذر ۱۳۸۵

مقدمهٔ مترجم

در سال ۱۰۱۴ق، به دستور شاه عباس صفوی و بنابر دلایل سیاسی - اقتصادی و استراتژیک، مهاجرت اجباری و وسیع ارامنه از ارمنستان به ایران آغاز شد و بیش از ۵۰۰ هزار ارامنه^۱ به ایران کوچ کردند. در این بین صنعتگران و هنرمندان ارامنه در اصفهان و بخش جنوبی زاینده رود اسکان داده شدند. اعطای امتیازات ویژه به تجار ارامنه از طرف شاه عباس، باعث رشد و توسعهٔ اقتصادی، تجاري، صنعتي و فرهنگي اصفهان، پايتخت صفویان، گردید و روابط بين المللی و تجاري تا حدی بیش رفت که اغلب بازرگانان ارامنه نقش هيتهای نمایندگی سیاسي ایران در خارج را نیز ایفا می‌كردند.

رشد اقتصادي و فرهنگي ارامنه دورهٔ صفویه، احداث کليساها، مراکز مذهبی، مدارس، بيمارستانها، سرای سالمندان و غيره را به دنبال داشت، به گونه‌ای که جلفای نو به مرکز مذهبی ارامنه تبدیل گردید. اما از سال ۱۰۸۱ق، با تشدید بحرانهای سیاسي و اجتماعی، دوران آرامش و شکوفايی ارامنه رو به افول گذاشت و در هجوم افغانها در سال ۱۱۲۴ق به اصفهان، به اوچ خود رسید؛ به گونه‌ای که بسياری از ارامنه جلفای نو به هند، روسیه و کشورهای اروپایي مهاجرت کردند.

با اين حال، می‌توان گفت جلفای نو حدود يك قرن از مراکز عمدهٔ فرهنگي زمانهٔ خود محسوب می‌شد و تأثير بسياري بر فرهنگ، علوم و فنون منطقه داشت.

كتاب حاضر که بخشی از فعالiteای «مرکز تحقیقات معماری ارامنه»^۲ است، در واقع، تاریخچه بناهای کليساهاي جلفای نو و بيان تصويری آنهاست که بین سالهای ۱۰۱۶ تا ۱۰۱۴ق احداث گردید. هدف اصلی اين مرکز، ثبت آثار باقيمانده از معماری در خطر تخریب ارامنه، به ویژه در خاورمیانه است. به همین منظور از مجموعه آثار معماری بهجا مانده از ارامنه در منطقه مذکور، جلد بیست و یکم آن که به کليساهاي اصفهان اختصاص دارد و در سال ۱۹۹۱م منتشر گردیده، ترجمه شده

است. بقیه آثار مورد پژوهش این مرکز، مربوط به بنایانی نیمه ویران باستانی ارامنه، واقع در کشورهای ترکیه، آذربایجان و غیره است.

مطالعات تاریخی بر مبنای آثار به جا مانده می‌تواند در زمینه‌های مختلف و در ابعاد گسترده انجام گردد. از این‌رو، پس از تعمق در عناصر معماری به جای مانده در کلیساها جلفای نو می‌توان به نتایج اجتماعی – فرهنگی ارزشمندی درباره ارامنه دست یافت.

در پایان لازم می‌دانم از همراهی و راهنمایی دکتر آرمون حق نظریان و دکتر باقر آیت الله زاده شیرازی قدردانی نمایم. همچنین از دکتر مریم قاسمی سیچانی و مهندس آرلن استپانیان، که با دقت بسیار، زحمت ویراستاری علمی این ترجمه را متقبل گردیدند و خانم ماندانانعمرت نژاد و میترا بدربی زاده که مقابله و بازخوانی متن را از انگلیسی به فارسی با حوصله بسیار به انجام رسانیدند و نیز عزیزانی که نام آنها در زیر می‌آید بسیار سپاسگزارم:

دکتر فریبا قرایی، مهندس واروژان آراکلیان سلماسی، مهندس محمدرضا حائری، مهندس علی فلاح پسند، دکتر محمد مسعود، دکتر غلامحسین معماریان، مهندس لیلا پهلوان زاده و خانمها سولماز جواہپور و یاسمون شفیعی.

تارسیس سهرابی ملایوسف

۱۳۸۵ شهریور

پی‌نوشتها

۱. دانشنامه ایرانیان ارمنی، به کوشش ژانت د. لاریان (تهران: هیرمند، ۱۳۸۱)، ص ۳۱.
2. Research On Armenian Architecture (RAA)

جلفای نو

تاریخچه اجمالی

طی قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی (نهم و دهم هجری) شهر اردبیل، در شمال غربی ایران، با اندازی فاصله از سواحل دریای خزر، به کانون اصلی فرهنگ و مذهب ایرانیان تبدیل شد. دسته‌ای از صوفیان هم مسلک این مکان را برای سکونت خود برگزیدند و پس از تحدشدن تحت ساختار سازمانی واحدی توانستند توجه عدهٔ کثیری از مردم شهرها و نواحی پیرامونی را به خود جذب کنند.

شاه اسماعیل صفوی به عنوان بزرگ صوفیان، رهبری قیامی را بر عهده گرفت که اصول مکتبی (ایدئولوژیک)، فرهنگی و معنوی آن در عقاید شیخ صفی الدین، یکی از رهبران معروف متصوفه قرن چهاردهم میلادی (هشتم هجری) ریشه داشت. اهداف این قیام از بین بردن هرج و مرج شایع در آن زمان و سازماندهی دولتی جدید بود که قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای مردم محروم و بهبود زندگی آنان در شهرها و روستاهای ایران باشد و عطش شان را به عدالت فرو نشاند.

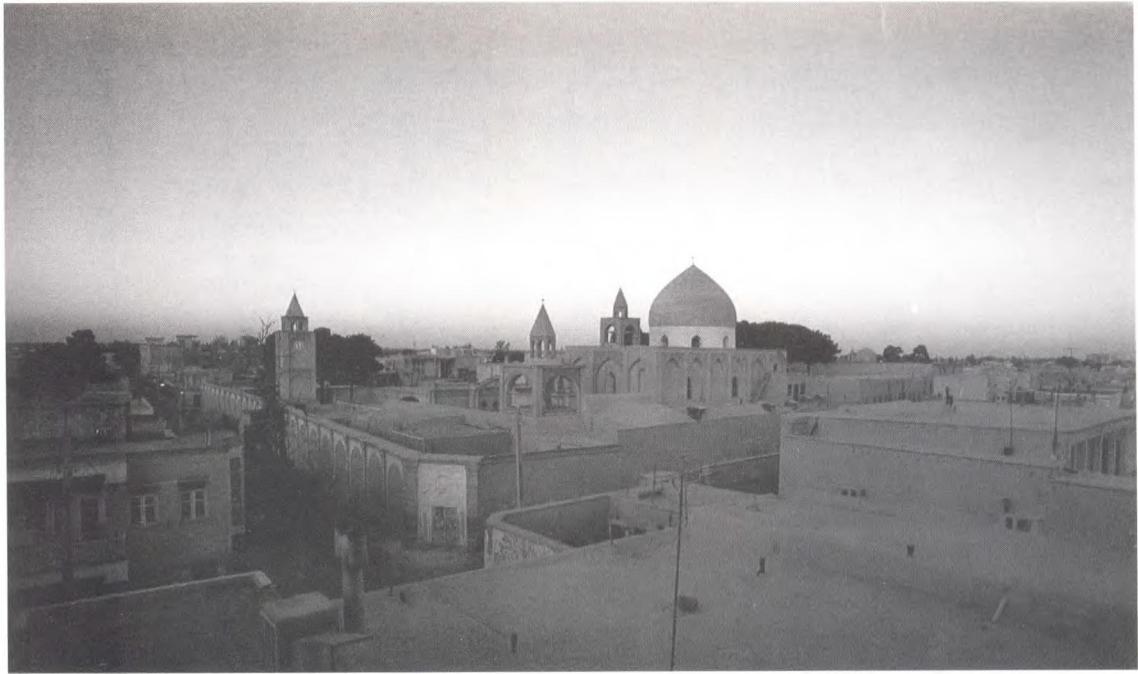
مذهب تشیع از طریق مساجد، مدارس دینی و خانقاها گسترش یافت و خیلی زود توده‌های مردم را تسخیر نمود؛ شاه اسماعیل توانست سلسله عظیم صفوی را بنیان نهاد و بسیاری از حکومتهایی را که پس از سقوط دولت تیموری تشکیل شده بودند، تحت سلطه خود درآورد. او در سال ۱۵۱۰ م (۹۱۶ق) نیز تیموریان را شکست داد و عراق را فتح کرد.

در سال ۱۴۵۳ م (۸۵۷ق)، سلطان محمد دوم، با فتح قسطنطیله (استانبول کنونی) پایه‌های امپراتوری مسیحی بیزانس را



در شرق به شدت لرزاند. پیش از آن نیاکان وی مرزهای قلمرو خود را به سمت غرب تا بالکان گسترش داده بودند و جانشینانش نیز آن را به سمت شرق تا آناتولی، ارمنستان، قفقاز و نزدیکی قلمرو امپراتوری ایران وسعت بخشدند. این امر موجب پدید آمدن اختلافات شدید سیاسی، اقتصادی و نظامی بین دو امپراتوری گشت و با توجه به مخالفت سنیهای قلمرو عثمانی با ایران، که در آنجا مذهب شیعه به همت شاه تاحد مذهب ملی و دولتی ترجیح یافته بود، تشدید شد. حفظ آین تشیع را می‌توان تلاشی بزرگ به منظور جلوگیری از گرایش فرهنگی ملت ایران به جهان تسنن در غرب (عثمانیها) و شرق (ازبکها) دانست.

سلطان سلیمان اول، پادشاه عثمانی، به منظور دستیابی به مرزهای گسترده ایران و خصوصت با شاه اسماعیل، در سال ۱۵۱۴ م (۹۲۰ق) او را در جنگ چالدران شکست داد. در این جنگ، برای اولین بار در مشرق زمین، عثمانیها از سلاحهای اروپایی مثل چمخال^۱ و توپ استفاده کردند و ایرانیها متحمل خسارات سنگینی شدند: رقمی در حدود ۴۰ هزار کشته! در سال ۱۵۱۶ م (۹۲۲ق) امپراتوری عثمانی فلسطین و سوریه را نیز تصرف کرد. سپس با فتح عراق و مخصوصاً دو شهر



۱. کلیسای سورپ آمنا پرگیچ (نجات دهنده) در جلفای نو

قدس شیعیان، نجف و کربلا، در سال ۱۵۳۴ م (۹۶۱ق) به مهم‌ترین قدرت خاورمیانه و پایگاه آیین تسنن تبدیل شد. در سال ۱۵۸۷ م (۹۶۶ق)، پس از دوره‌ای بی‌ثباتی سیاسی، شاه عباس به تاج امپراتوری ایران دست یافت و با تصرف قدرت سیاسی، بلافضله به اقداماتی پرداخت که کشور را بار دیگر و به طور قطعی یکپارچه و متحد ساخت؛ ابتدا از امیران، حاکمان و سران دولتی، که از قدرت سیاسی و اقتصادی خوبی برخوردار بودند و پیش از این از اطاعت پدر وی سریچی کرده بودند، بسیار تحلیل شد. سپس نوبت به شاهزادگان ایلیاتی و قبایل نیمه مستقل رسید که در سراسر مرزهای ایران پراکنده بودند. وی همچنین با فتح مناطقی چون بین النهرین، هرات و بلخ، امپراتوری خوبی را به طور چشمگیری گسترش داد. شاه عباس در سال ۱۶۱۶ م (۱۰۲۶ق)، نجف و کربلا را فتح کرد و احداث زیارتگاههای شیعی به سبک مساجد اصفهان را در آنجا ترویج داد. همچنین شهر مشهد در زمان او تا جایگاه شهری مقدس ارتقا یافت.

در سال ۱۵۹۰ م (۹۹۹ق) یعنی هم‌زمان با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت امپراتوری - که این مقام را تا سال ۱۷۷۲ م (۱۱۸۶ق) و پیش از پایتختی شیراز حفظ کرد - آغاز روند تغییر و تحول در شهرسازی این شهر مشهود است. وضعیت



مطلوب جغرافیایی اصفهان در پیشرفت آن بسیار تأثیرگذار بود. خیلی زود اهمیت فراینده این شهر به عنوان مرکز حمل و نقل برای تجارت، آن را به کانونی با شبکه های جاده ای تزدیک به هم، که شهر را با مناطق مختلف امپراتوری مرتبط می ساخت، تبدیل کرد. کاروانسراهها - که بعدها «شاه عباسی» نام گرفتند - در طول جاده های اصلی با فواصل ۵۰ کیلومتری از یکدیگر قرار داشتند و به مثابه رابط توسعه فرهنگی و اجتماعی مناطق دورافتاده عمل می کردند.

تاریخ جامعه ارامنه در ارتباط تزدیک با اوضاع ایران است. تقسیم مناطق مختلف ارمنستان بین امپراتوریهای ایران و عثمانی و نقش ویژه ارامنه در دوران سلطنت شاه عباس را می توان به عنوان نقاط اصلی این ارتباط بر شمرد. جنگ چالدران، در سرنوشت مردم سرزمینهای ارمنستان بسیار تأثیرگذار بود؛ آنها در تلاش برای یافتن سرپناهی در برابر هجوم ترکها، در